

# ایران تو

- دانلود نمونه سوالات امتحانی
- دانلود آزمون های متم
- دانلود آزمون های صلم جی و سنجش
- دانلود فیلم و مقاله آنلاین
- تبلور و مشاوره



IranTooshe.ir



@irantoooshe



IranTooshe



گام به گام آدیا<sup>ش</sup>



فارسی هفتم

قسمت اول :

معنی اشعار

ایران توشه

توشه‌ای برای موفقیت

قسمت دوم :

پاسخ خودآرزیابی ها



## ستایش ص 9

معنی شعر = بهترین سر آغاز

بیت اول = ای خدایی که نام تو بهترین نام برای شروع کارهاست

بدون نام تو کتاب را نمی گشایم.

بیت دوم = ای خدایی که همدم جانم است. جز نام تو بر زبانم نیست.

بیت سوم = ای خدایی که گشاینده مشکلات تمام موجودات هستی. نام تو کلیدی هست که تمام کارهای فروبسته را باز می کند.

بیت چهارم = ای خدایی که آفریننده جهان هستی. و کسی را قدرت آن نیست که در برابر تو قدرت نمایی کند.

بیت پنجم = ای خدایی که قصه‌ی نگفته {نشان داده نشده} می دانی. و از نامه نانوشه نشده خبر داری.

بیت ششم = ای خدا به لطف و عنایت خود مرا. به جایی که دوست داری برسان.

بیت هفتم = خدایا مرا از خودخواهی نجات بده. و یا نور خودت آشنا کن

نظمی گنجوی

# ایران تو نی

زنگ آفرینش بایه هفتم صفحه 12

صبح یک از روزهای فصل بهار بود و سال تحصیلی جدید آغاز شده بود.  
بچه‌ها در کلاس دور هم جمع شده بودند و خوشحال بودند

بچه‌ها مشغول صحبت بودند و در کلاس سروصدا و شلوغ بود  
هر یکی از بچه‌ها برگه‌ای در دست داشتند و قرار بود زنگ انشاء شروع شود

همین که آموزگار وارد کلاس شد و رسید، خندان گفت  
برای انشاء موضوع تازه‌ای داریم. موضوع آرزوی شما در آینده است  
شبینم بلند شد و گفت من می‌خواهم آفتاب شوم(صنعت تشخیص)

ذره ذره با آسمان بروم و به ابر تبدیل شوم و دوباره به آب تبدیل شوم  
دانه آرام آرام ببروی زمین چرخید و غلت خورد و شروع کرد به خواندن انشای کوچکش  
در انشایش گفت: به باغی بزرگ تبدیل خواهم شد و همیشه سرسبز و سبز رنگ خواهم ماند

غنجه گفت اگرچه دل تنگم، مانند لبخند باز خواهم شد  
با باد ملایم بهار و بلبل و باغ، شروع به زار و نیاز کردن می کنم  
جوچه گنجشک گفت می خواهم از سنگ بچه ها آزاد شوم

روی هر شاخه بشینم و جیک جیک کنم و از منظره‌ی آسمان لذت ببرم  
جوچه‌ی کوچک پرستو گفت کاش بتوانم با باد همراه شوم  
تا آسمان‌های دور کوچ کنم و باز پیامبر خبر آمدن بهار شوم

وجه‌های کبوتران گفتند ای کاش می توانستیم در کنار هم باشیم  
توبی گلدسته‌های یک گنبد، همه وقت نیاز نکنده‌ی حرمت باشیم  
زنگ تفریح را که زنجره زد(نوعی حشره) دوباره در کلاس سروصدرا و شلوغ شد  
همه‌ی بچه‌ها به طرفی رفتند و معلم دوباره تنها شد

معلم زیر لب می گفت چه آرزو‌های قشنگی دارید  
ای کاش روزی به آرزوی خود برسید. این آرزوی من است

قیصر امین پور

ترجمه راز شکوفایی صفحه 39

- 1 تلاش کن راز دلت را پیش کسی باز گو نکنی آگاه باش که سفره دلت را پیش کسی باز نکنی.
- 2 اگر راز هایت را در دلت نگه داری زودتر به هدف و آرزوی خود خواهی رسید.
- 3 وقتی دانه را در دل خاک پهان کنیم رشد می کند و باعث باغ و بوستان و سرسبزی می شود.
- 4 پیامبر فرمود: هر کس سر دلش را نگه دارد زودتر به هدف و آرزوی خود نزدیک می شود.

پایه هفتم درس چهارم صفحه 40

# ابرار توتنی

- 1- هوا گرم می شود و آسمان روشن می شود و زندگی دوباره آغاز می شود آسمان لبخند می زند و زندگی دوباره جریان پیدا می کند
- 2- سرما و تمام آنچه موجب دلسربی می شد و افسردگی می آورد از بین رفت
- 3- با وزش باد بهاری که همیشه زندگی را به همراه دارد جوانه‌ای متولد شد
- 4- شکوفه‌ها در روی شاخه‌ی درخت باز شدند و در کتاب طبیعت بهار آغاز شد
- 5- تو هم همگام با رسیدن بهار وی‌زگی‌های تازه‌ای مانند سرسبزی و طراوت و شادابی پیدا کن
- 6- هم نوا با پدیده‌های طبیعت تو هم تازگی را در خودت ایجاد کن و مانند یک چشمۀ در زندگی خود پر تلاش باش و مانند شاخه‌گلی زیبا جوان بزن و شکوفا باش
- 7- زندگی به تو روی خوش نشان داده است و بهترین زمان برای شکفته شدن است
- 8- در این موقعیت بهترین کاری که می توانی انجام دهی گفتگو با خدا است.

بیت 1. روزی بچه کبوتری با جسارت و علاقه و اشتیاق به پرواز، بال و پر خود را باز کرد.

بیت 2. از روی شاخه‌ی کوچک به شاخه‌ی کوچک دیگر پرید و از روی پشت بامی گذشت و کنار جوی آب نشست.

بیت 3. این راه کوتاه برایش بسیار طولانی بینظر می‌رسید و دنیا جلوی چشمانش تیر و تار شد.

بیت 4. از ترس و وحشت بر جای خود خشک شد و از شدت خستگی توان ادامه نداشت و در راه ماند.

بیت 5. خسته شد و از نا توانی فریاد زد. مادرش از روی شاخه‌ای که بر روی آن نشسته بود گفت:

بیت 6. پرواز برای تو هم بسیار سخت و دشوار است. کسی از تازه کاران توقع کار زیاد ندارد.

بیت 7. هنوز وقت پریدن تو در کوچه و پشت بام نیست. تو باید فعلاً بخوابی و استراحت کنی.

بیت 8. تو هنوز باید علم و دانش کسب کنی و راه رسم زندگی کردن را باید یاد بگیری.

بیت 9. در ابتدای هر کهر باید روش آن را یاد بگیری، ابتدا باید بتوانی پا های خود را محکم بر روی زمین بگذاری، سپس فکر مستقل شدن و روی پای خود ایستادن باشی.

بیت 10. تو مانند گنج هستی و به مراقبت احتیاج داری و من مانند نگهبان و محافظ تو هستم. من باید رنج بکشم تا تو آسوده باشی.

بیت 11. من در دام های زیادی گرفتار شده ام و بارها کودکان بال و پرم را شکستند.

بیت 12. گاهی از در و گاهی از دیوار به من سنگ زند، گاهی پنجه ها و گاهی سرم خونین شد.

بیت 13. حتی یک لحظه آسایش نداشته ام، گاهی از گربه و گاهی از پرنده شکاری ترسیدم.

بیت 14. حمله بلاهای آسمانی به من درس زندگی آموخت.

ه بیت 15. شاخه بی ریشه، جوان و قوی نمی شود، مگر اینکه تو به پند و نصیحت من گوش داده و سعی و تلاش هم کنی.

# ایران تو جی

ترجمه شعرخوانی گل و گل صفحه 96  
شبی در محفلی با آه و سوزی  
شنیدستم که مرد پاره دوزی  
چنین می گفت با پیر عجوزی «گلی خوشبوی در حمام روزی

رسید از دست محبوبی به دستم

یک شب در مجلسی شنیدم که پیرمرد کفشن دوزی با پیرزنی حرف می زد و گفت: روزی در حمام گل خوشبویی از یارم به دستم رسید-1

خمیری نرم و نیک چون حریری

گرفتم آن گل و کردم خمیری

«بدو گفتم که مشکی یا عبیری

معطر بود و خوب و دلهزیری

که از بوی دلاویز تو مستم

آن گل را گرفتم و با آن خمیری درست کردم که مانند ابریشم نرم بود. آن گل خیلی خوش بو بود پرسیدم تومشکی یا عبیری، که بوی تو مرا مست کرده است-2.

نیدید چون تو و عبرت نمودم

همه گل های عالم آزمودم

چو گل بشنید این گفت و شنودم «بگفتا من گلی ناچیز بودم

ولیکن مدتی با گل نشستم

من گلهای زیادی دیده ام ولی گلی ماند تو ندیدم و از عطر تو تعجب می کنم وقتی گل این حرف مرا شنید گفت : من گل ناچیز و بی مقداری بودم ولی-3- مدتی هم نشنین گل شدم.

مرا با همنشینی مفتخرا کرد گل اندر زیر پا گسترده پر کرد

«کمال همنشین در من اثر کرد چو عمرم مدتی با گل گذر کرد

و گرنه من همان خاکم که هستم

4- گل خودش را زیر پای من گسترد و به من افتخار هم نشینی با خودش را داد . وقتی بخشی از عمرم را با گل به عمرم بردم . صفات خوب و عطر هم نشینم در من اثر کرد و من خوشبو شدم و گرنه من همان خاکی هستم که بودم و تغییری نکردم.

شعر خوانی (rstgar) صفحه 113

معنی بیت اول: قطعا علم و دین تو را نجات می دهد و تو باید راه رستگاری را جستجو کنی

معنی بیت دوم: اگر می خواهی که از تمام بدی ها نجات یابی و گرفتار بلا و آسیب نشوی؟

معنی بیت سوم: در هر دوچهان از بدی ها نجات یابی و نزد خدا نیکوکار باشی؟

معنی بیت چهارم: راه سعادت را در کلام پیامبر جستجو کن و دل و جانست را از آسودگی ها با کلام پیامبر پاک ساز

معنی بیت پنجم: اگر انتظار داری که به بهشت بروی به سخنان و گفتار پیامبر و جانشین او عمل کن . پیرو راه آنان باش

معنی بیت ششم: من این گونه دوستدار پیامبر به دنیا آمدم و به همین صورت زندگی ام را می گذرانم . بدان که من خاک پای علی هستم

نیایش صفحه 174

# ایران‌تویی

1- خدایا تو را به انسان های صالح و نیکوکار قسم می دهم که کردار و عاقبت بد مرا خوب و نیکو کن.

2- ما را از پیشگاه خود محروم نکن. (اطف خود را از ما دریغ نکن). ما مانند گنجشکانی هستیم که این سرزمهین پنهان آورده ایم. ما را از درگاه خودت بپرون مکن.

3- به من توانایی و بیانی بده که بچوایم اسرار وجودی تو را بازگوکم. روحی بده که خواستار دیدار تو باشد و تاب و تحمل درگ تو را داشته باشد.

4- بی خبری و ناگاهی مانند آتش است دل مرا در این آتش نسوزان. (نگذار دچار غفلت شوم و تو را نشناسم). جان مرا با نور حقیقت روشن کن.

5- اکنون سزاوار است که دستم را بگیری کمک کنی، اگر دستم رانگیری و حمایتم نکن، نابود می شوم.

6- مرا از کسانی قرار بده که به تو نزدیک هستند (از خود و افراد صالح و نیکوکاری که به تو نزدیک هستند و تو را احاطت می کنند، دورم نکن) مرا هدایت کن زیرا گمراه شده ام و راه راست را نمی شناسم.

7- من هر رانی را که می خوانم، و هر چیزی را که می دانم، وجود تو را درک می کنم. (تو را در گفته ها و دانسته هایم می بینم و وجودت را درک می کنم).

قسمت دوم :

پا سخن خود ارزیابی



ایران زندگی

توشهای برای موفقیت

## درس اول

1-چه کسانی در کلاس جنگل سبز آرزوهای خود را مطرح کردند؟ شبنم-دانه-غنچه-جوچه گنجشک-جوچه ی پرستو-جوچه های کوتaran و معلم.

2- منظور شبنم از جمله‌ی (می خواهم آفتاب شوم) چیست؟ منظورش این است که می خواهم با گرمای خورشید بخارشوم و به آسمان بروم و با خورشید یکی شوم. و یا مثل آفتاب پر نور شوم

3- معلم برای بچه‌ها چه آرزویی کرد؟ آرزو کرده‌همه‌ی بچه‌ها به آرزوهایشان برسند.

4- اگر شما در جنگل سبز بودید چه آرزویی می کردید؟ آرزوی طبیعتی پایدار

# ایران توشه

## توشه‌ای برای موفقیت

درس دوم ص 22

1- در کلاس درس طبیعت چه زیبایی‌هایی رامی توان درک کرد؟

عظمت، جلال و جاذبه‌ی خالق را می توان درک کرد.

2: این دو بیت ((مولوی)) با کدام بخش از درس ارتباط دارد؟

این درختانندهم چون خاکیان      دست ها بر کرده‌هاند از خاکدان

با زبان سبز و با دست دراز      از ضمیر خاک می‌گویند راز

بر روی سبزه‌ها و کشته‌های سیراب، درختان سرسبز با غ و صحراء را دیدیم که شاخه‌ی دست‌های خویش را به آسمان برافراشته بودند و دعا می‌کردند.

3: نمونه‌های دیگری زیبایی‌های آفرینش را بیان کنید.

گلزارها، ستارگان، رنگین کمان، بیابان‌ها،

4: یک تشبيه و یک تشخيص در درس پیدا کنید و بنویسید.

تشبيه: نسيم مانند مادری مهربان و آداب دان به کودکان خویش، حق شناسی و ادب می‌اموزد.

تشخيص: آب با گام‌های استوار و امیدوار، شتابان می‌رفت.

**1\_امتیازات یک نوجوان و جوان خوب را از دیدگاه رهبر معظم انقلاب بیان کنید؟**

جوان و نوجوان خوب باید اهل فکر کردن دریافتن و تحلیل کردن باشد.

**2\_منظور از بارت (آینده با حرف ساخته نمیشود) چیست؟**

با حرف زدن نمیتوان پیشرفت کرد. برای پیشرفت کردن و ساختن آینده باید کار کرد و با عمل و کار و کوشش آینده را ساخت.

**3\_شما ویژگی های برجسته‌ی جوان امروز ایرانی را چه چیزهایی میدانید؟**

تلاش. ذکاوت. پشتکار. اعتماد به نفس و ایمان قلبی.

## ایران تونش

درس چهارم ص 43

1) منظور شاعر از «آسمان مثل یک تبسم شد» چیست؟ با آمدن بهار، آسمان گرم و زندگی بخش شد و همه سردی ها و غصه ها از بین رفت. 2) به نظر شما، چرا بزرگ ترها از دوره‌ی نوجوانی و جوانی خود معمولاً با حسرت و آه، یاد میکنند؟ چون فرصتی برای برگشت به آن دوران و استفاده درست از آن را ندارند.

3) «نوجوانی زیباست»، چه کنیم تا زیبا تر شود؟ باید قدر آن را بدانیم و قشنگی آن را بدانیم و قشنگی آن را با کم حوصلگی و دل خوری های بیهوده، زشت و تاریک نکنیم. 4) دوست خوب کیست؟

دوستی خوب است که گفتارش درست و رفتارش پسندیده باشد. در دلش ایمان و مهربانی موج بزند و از چهره و نگاهش امیدواری و نشاط بجوشد.

1-چه کسانی می توانند در قلب ما جا بگیرند؟ همه‌ی انسانها

2-چرا قلب آدم نباید خالی باشد؟ چون اگر خالی باشد مثل یک گلدان، خالی و  
زشت

می شود و انسان را آزار می دهد

3-شما قلب را به چه چیز‌هایی تشبيه می کنید؟ آسمان، دریا، کهکشان و.....

4-آدم‌های بد چگونه می توانند وارد قلب ما شوند؟ اگر به انسانهای خوبی تبدیل  
باشوند و دست از بدی‌ها بردارند می توانند وارد قلب ما بشوند.

## ایران تو نی

توشه‌ای برای موفقیت

خود ارزیابی درس ششم صفحه 60

1-چرا گیتی به چشم کبوتر بچه تاریک شد؟

ج=چون او کوچک و بی تجربه بود و آن مسیر کوتاه، برایش طولانی و خسته کننده شده بود.

2- به نظر شما کبوتر بچه ممکن است چه پاسخی به پند مادر داده باشد؟

ج=پذیرفتن نصیحت مادر و عمل کردن به آن.

3- پیام اصلی درس چیست؟

ج=آموختن راه و روش زندگی و تجربه کسب کردن.

4- کدام بخش از تجربیات مادر کبوتر دردناک بود؟

ج= آنجا که گفت ((...از در و دیوار به من سنگ می زند، پنجه ها و سرم خونین شد...)).

## ابران تو زنی

1-چرا می گویند:((وقت از طلا گران بها تر است))؟

زیرا با صرف وقت می توان طلا به دست آورد، ولی دقایق تلف شده را با طلا نمی توان خرید.

2-منظور از ((عمر حقیقی را شناسنامه ما تعیین نمی کند)) چیست؟

زیستن و زندگی زیبا، فقط همان فرصت هایی است که با رفتارهایی زیبا و کارهای بزرگ می گذرد. بقیه روزها و سال های ما جزء عمر واقعی ما محسوب نمی شوند.

3-پیام اصلی این درس چیست؟

ما باید از وقت خود بهترین استفاده را ببریم و نگذاریم وقتمنان تلف شود.

## ایران تونه

### توشه‌ای برای موفقیت

درس 8 ص 84

1. چرا دانش آموزان از نصیحت کردن امام خودداری کردند؟ زیرا مام بزرگوار واژمه گناهان دوربود و او بست شکن بودند و به مدت چهل سال نمازهای شبستان ترک نشد.

2. چگونه می توان برای اسلام و جمهوری اسلامی و کشور مفید بود؟ به وظایف اسلامی که انسان را می سازد عمل کنید و اخلاق خود را نیکو کنید و اطاعت و خدمت پدران و مادران را غنیمت شمارید و انها را ز خود راضی کنید و به معلم هایتان احترام زیادی

بگذارد.

3. درباره‌ی عبارت ((حزم. دل اور آرام می‌کرد و مدرسه‌اش را)) توضیح دهید؟ وقتی وارد زیارتگاه می‌شویم دل ما به خدا نزدیک تر می‌شود و از امامان سرمشق می‌گیریم وقتی وارد مدرسه می‌شویم چون سواد من افزایش پیدامی کند فهم و اندیشه ماهم افزایش می‌آید.

4. امام خمینی در پاسخ نامه دانش آموزان چه نوشتند؟ فرزندان عزیزم. نامه‌ی محبت امیز شمارا قرائت کردم. کاش شما عزیزان مرانصیحت می‌کردید که محتاج آنم. امید است با نشاط و خرمی درس هایتان را خوب بخوانید.

درس 9 ص 93

ایران تو نش  
-1 معلم برای تشویق نیما چه کرد؟  
توضیه‌ای برای موفقیت

معلم گفت: آفرین آفرین خیلی خوب بود آقای علی اسفندیاری!

-2 دکتر حسابی و دکتر کاظمی آشتیانی چه خصوصیات مشترکی داشتند؟

-3

به نظر شما چرا دکتر حسابی با <>علم بدون عمل<> مخالف بود؟

زیرا اگر علم داشته باشیم اما انجام ندهیم و عمل نکنیم در زندگی به درد ما نمی خورد.

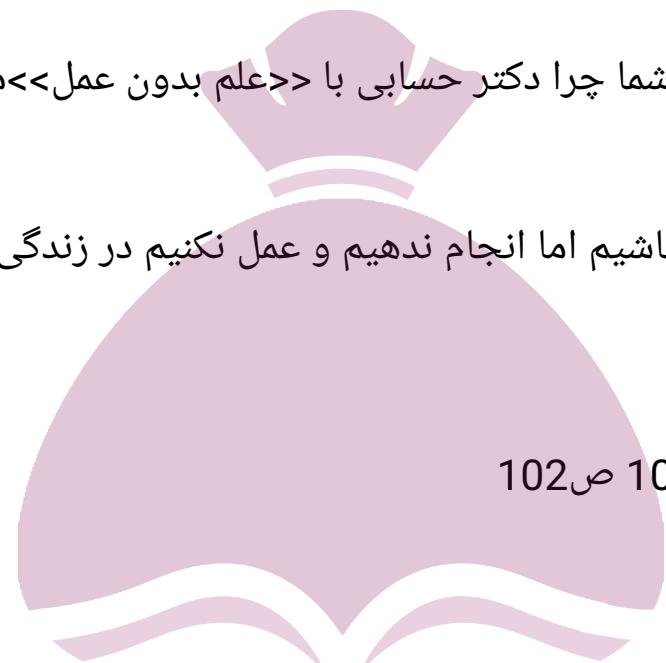
خود ارزیابی درس 102 ص

## ایران‌توشه

### توشه‌ای برای موفقیت

من دیر نمی آیم شما هم دیر نیایید. من غیبت نمی کنم شما هم غیبت نکنید. من به شما دروغ نمی گویم شما هم به من دروغ نگویید. من به هر قولی که به شما بدhem وفا می کنم شما هم به هر قولی که به من می دهید وفا کنید.

2. چرا مصطفی در هنگام کمک به پیرمرد کمی مکث کرد؟



1. عهد پیمان شهید رجایی با شاگردانش چه بود؟

توشه‌ای برای موفقیت

چون شیطان می خواست با گفتن خودت بیشتر به این پول احتیاج داری او را فریب دهد و این باعث شد او کمی مکث کند.

3. به کاری که مصطفی کرد((ایثار)) می گویند. نمونه ای دیگر از ایثار را ذکر کنید.

وقتی در مدرسه یکی از دوستانمان تغذیه خود را جا گذاشته و گرسنه است تغذیه خود را به دوستمان بدھیم این هم یک نوع ایثار است.

جنگ رزمندگان اسلام با دشمن و....

4 - خاطره عشق به مردم خاطره ای چه کسی می باشد؟ کیومرث صابری فومنی (گل آقا)

## ایران تو نشی

خود ارزیابی درس یازده ص 110

1-معنای ((سامان منا اهل الّبیت)) را بیان کنید. سلمان جزو خانواده من است. سلمان از اهل بیت است

2- چگونه زبان فارسی به گسترش تمدن اسلامی کمک کرده؟ یکی ز مظاهر خدماتی است که از راه زبان فارسی به اسلام کرده اند ادب اعرافا و سخنوران ایرانی حقایق قرآنی را با جمله زیبای شعرو نثر فارسی به نحو احسن آرایش داده اند و حقایق اسلامی و معانی لطیف قرآنی را در میان حکایاتی شیرین آورده اند

3- به نظر شما چگونه می توان به تمدن اسلام و ایران بیشتر خدمت کرد؟

1- با انجام دادن به وظایف مذهبی و ملی

2- با به کارگری هوش ولیاقدت واستعداد

3- آشنایی با فرهنگ و تمدن های دیگر و هماهنگ کردن انها با فرهنگ و تمدن اسلامی و ایرانی

4- عشق و ایمان

درس 12 ص 117

# ابرار توییج

1- رفتار پیامبر(ص) با امام حسن(ع) و امام حسین(ع) در دوران کودکی؟ رسول اکرم با فرزندان خود به مهر و عطوفت رفتار میکرد. وقتی به سجده می رفت حسن(ع) و حسین(ع) برگردن و پشتش می نشستند و او چنان در سجده می ماند تا به ارامی پایین بیایند و وقتی از سجده بر می خواست هر دو ترا صورتشون را بوشه ای می زد.

2- کدام رفتار پیامبر(ص) با دیگران برای شما جالب تر است. چرا؟ یکی از رفتار های خوب پیامبر(ص) اخلاق خوب ان است. اگر اخلاق خوب داشته باشی همه تو را دوست دارن و باعث شایستگی فرد نیز می شود

3- به نظر شما چرا پیامبر(ص) بد رقتاری با خویش را می بخشد اما نسبت به قانون شکنی گذشت نداشت؟ زیرا بدرفتاری با خود مسله ای شخصی است و می توان از آن گذشت ولی قانون شکنی مسله ای اجتماعی و عمومی است و حق دیگران را ضایع می کند و قابل گذشت است.

4- خداوند در مورد مهربانی پیامبر(ص) چه می فرمود؟ به درستی که رسول خدا برای شما اسوه و نمونه‌ی نیکویی است.

### درس 13 خودارزیابی صفحه‌ی 125

1\_ چند ویژگی اخلاقی حضرت امام خمینی(ره) را در دوره‌ی نوجوانی و

جوانی بیان کنید مهربانی، سادگی، فروتنی، خوش بیانی، نظم و دقت و سیمای جذاب از ویژگی‌های درخشان ایشان بود

2\_ چرا در دوره انقلاب، همه ایران یک معلم داشت؟ همه به فرمان امام در کوچه‌ها و خیابان هاتظاهرات می کردند و درس انقلاب را به بانگ بلند به گوش جهانیان می رساندند آن روزها ملت، یک آموزگار، یک معلم و یک استاد داشت و او کسی جز امام خمینی(ره) نبود

3\_ به نظر شمارا ز محبویت بنیان گذار جمهوری اسلامی چیست؟ این که قدرتمند بود و به مال و ثروت اهمیت نمی داد

4\_چرا امام خمینی(ره) به پاریس رفت؟ حکومت عراق به درخواست شاه، اقامت امام خمینی را در آن کشور ممنوع کرد امام خمینی نیز ناگزیر به پاریس رفت و از آن جاره‌بری نهضت مردم ایران را که در آن زمان به یک انقلاب بزرگ تبدیل شده بود، بر عهده گرفت

## درس 16 خوددارزیابی صفحه 159

؟شah پرک با همه 1-چرا آدم اهنی از شاپرک خوشش آمد

تماشاگران فرق داشت-سوالاتی که می کرد در برنامه ریزی آدم اهنی نبود-صدایش بسیار شیرین بود-آدم اهنی را تروم عزیز صدا میزد.

2-چرا آدم اهنی از مرگ شا پرک به سوالات جواب درست نمی داد؟ چون آدم اهنی ناراحت بود که شاه پرک را نجات نداد و به سوالات شاه پرک جواب درستی نداده بود.

3-آخرین جمله درس چه پیامی دارد؟ یعنی درخت بلوط به شا پرک اسیب رساند شا پرک با این که میدانست جانش در خطر است باز هم به درخت بلوط رفت می توانست بگردد شاید درخت بلوط دیگری پیدا می کرد.

4-وقتی شا پرک برای بار اول رفت برای آدم اهنی چه اتفاقی افتاد؟ وقتی شا پرک رفت آدم اهنی دو سوال اول باهم اشتباه کرد و به سوال سوم هم جواب غلطی داد.

1. دانش آموزان چه جمله هایی روی برگه های خود می نوشتند؟ من نمی توانم درست به توپ فوتبال ضربه بزنم- من نمی توانم عده های بیشتر از سه رقم را تقسیم کنم- من نمی توانم کاری کنم که مرا دوست داشته باشند.

2. چرا دونا از دانش آموزان خواسته بود که ((نمی توانم)) های خود را بنویسند؟ چون می خواست با این کار تمام نمی توانم ها را از بین ببرد و آن ها را درون خاک بگذارد و به همه بگوید که ما می توانیم.

3. منظور بازرس از جمله‌ی ((فهمیدم که این شاگردان هرگز چنین روزی را فراموش نخواهند کرد)) چیست؟ منظور این است که ما همیشه باید به خودمان بگوییم من می توانم و به خاطر همین است که بچه ها این روز را فراموش نمی کنند.

4. چرا آقای ((دونا)) از بچه ها خواست که نمی توان های خود را داخل خاک بگذارند؟ چون می خواست به بچه ها بگوید که همیشه بگوید من می توانم برای همین مراسم تدفین نمی توانم را برگذار کردیم.

# ایران توشه

- دانلود نمونه سوالات امتحانی

- دانلود آزمون های ۱۴۰۶

- دانلود آزمون های وحدتی و نجات

- دانلود فیلم و مقاله آنلاین

- دانلور و مثاواره



IranTooshe.Ir



@irantoooshe



IranTooshe

